امان افغان

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۷
روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
۱۱ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت
۱۳ روپیهٔ کابلی
(به هر هفته یکبار)
(نشر میشود)
قیمت یک نسخهٔ آن
در کابل ۸ پیسه میباشد
(اوراق که درج نشود)
(اعاده نمیشود)

(سر محرر)
(پاینده محمد)
(فرحت)

اداره خانه
د افغانان کابل

(همه امورات تحریریه)
(به اداره خانه)
(بنام مدیر)
(فرستاده میشود)

(دورهٔ امن و امان پاینده باد)
(فرحت افغانستان پاینده باد)

تاریخ شمسی ۷ سرطان ۱۳۰۰ تاریخ قمری ۲۱ شوال المکرم ۱۳۳۹
تاریخ انگریزی ۲۷ جون ۱۹۲۱ عیسوی

1921

(مکافات بخشیهای اعلیحضرت غازی)

جناب جلالتمآب اشجع سردار اعلی محمد نادر خان سپه سالار غازی وزیر حربیه که پیوسته در خدمات مرجوعهٔ خود جدی صداقت ورزیده ، و از حسن خدمت همواره بعنایات خسروانی ممتاز گردیده است. بمکافات حسن خدمتی که در سال ۱۲۹۸ بمحاذ وزیرستان دلاورانه ابراز داده بود، و هم شعبهٔ کارات عسکری را که یگانه وظیفهٔ مامو ریت شان است بدرجهٔ اعلی ترقی رسانده از حضور مکافات ظهور (اعلیحضرت غازی) بعطای نشان ذی شان (المر اعلی) که اولین نشان دولت خداداد افغان است بین الامثال و الاقران سرفرازی یافت و (امان افغان) برای آن غازی شجاعت مآب که امروز از برق شمشیر جوهرش شبستان شجاعت افغان روشن است بکمال مسرت مبارکباد گفته ، از حضرت خالق انس و جان جمیع قوماندانهای دولت مستقله افغان را استدعا دارد که از حسن صداقتها همچنین سینه های شان مشرق نشانهای (المر اعلی) گردد، ارانیست که ما عیناً سواد فرمان عنایت ترجمان همایونی را باصورت عریضه

جوابیهٔ شکریه که از طرف آن قوماندان معارف خواه تقدیم حضور والا گردیده جهة استحضار قارئین کرام خود نقل مینمائیم :—

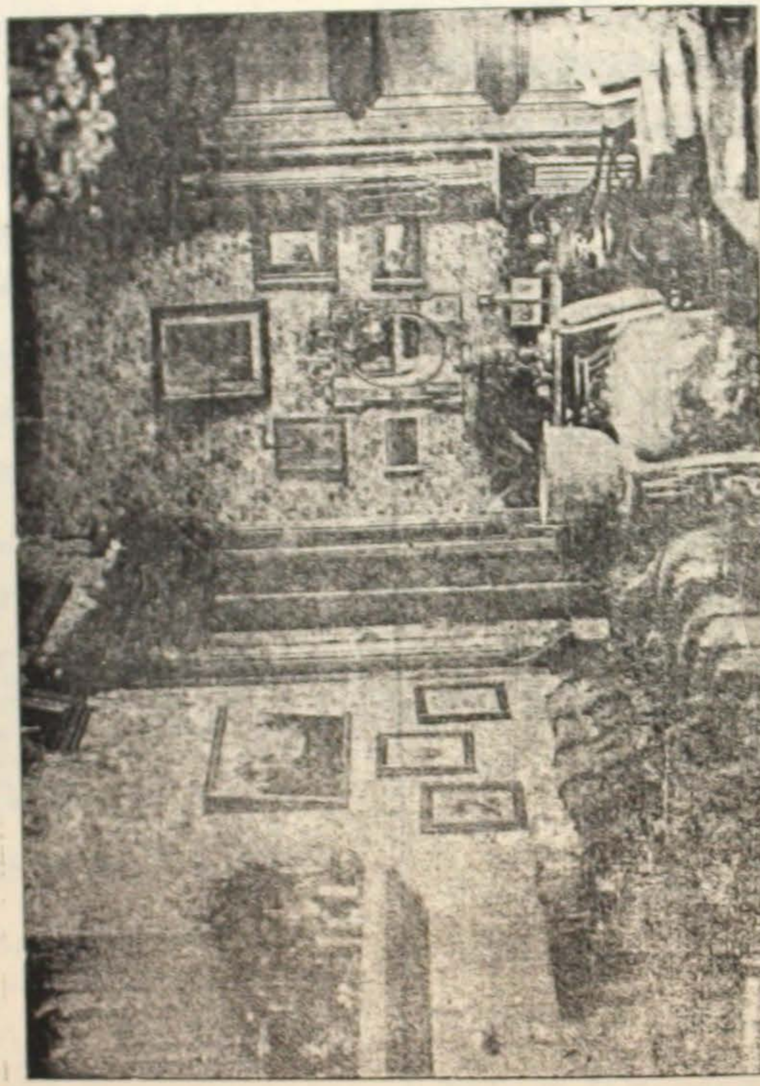
(سواد فرمان اعلیحضرت غازی سالک)

(باعطای نشان المر اعلی)

چون منظور شاهانه ام از ترقیات قوم وملت نجیبه افغانستان میباشد اشخاصیکه درراه دین وملت یك خدمت فوق العادهٔ عسکری وسیاسی ابراز کنند در عوض خدمت صادقانه شان بامتیازات لائقه سرافراز وممتاز باشند ! بنا بران عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی محمد نادر خان غازی سپه سالار نظامی وزیر حربیه که در وقت جهاد فی سبیل الله در سمت جنوبی ابراز همت وغیرت نموده حسن خدمات فائقه وصادقانه خودرا بثبوت رسانیده از حضور شاهانه ام باعطای نشان ذیشان (المر اعلی) سرفراز وممتاز گردیده اند اهذا جهة مستحقین نشان ذیشان موصوف بمادهٔ سیوم نظامنامه نشانها — بست وپنجهزار روپیه بخته کابلی مکافات نقدی وپنجصد جریب اراضی منظور فرمودیم که اراضی مذکور وقف اولاد گردیده بعایله انتقال میکند اما اجازه فروش را ندارد — عالیقدر جلالتمآب موصوف که کسب استحقاق نشان ذیشان موصوف را نموده مخصوص مکافات نقدی مذکور علیحده عالیجاه صداقت وشجاعت همراه لوامشر خزانه دار عمومی را ارشاد فرمودیم که از تحویل خزانه برساند اکنون بموجب رقیمه هذا عالیقدر صداقت مآب عظیم الله خان وزیر زراعت را حکم فرموده میشود که موازی پنجصد جریب اراضی مزروعی را از املاکات سرکاری سپرد شان بدارد که زراعت کرده مالیات سرکاری را رسانند واصل رقیمه هذا را ثبت دفتر کرده تسلیم عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی وزیر حربیه بدارد که دست اویز خودشان واولادشان بوده کارداران ودفتریان مابعد طالب سند جدید نشوند لکن عایله شان اجازه فروش را ندارند —

جناب عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی وزیر صاحب حربیه اززیارت فرمان مبارك والا رطب اللسان تشکر گردیده بنظر دلسوزی که برابنای وطن عزیز خود دارند وترقی افراد وطن وعموم مسلمین را از ترویج معارف اسلامیه خواستند که فیض این نوازش شاهانه را بر کافه اهل وطن تعمیم بکنند همان بود که بدیل کرم ونوازش شاهانه عریضه هذا را که عیناً نقل ان دراینجا درج است بحضور مرحمت ظهور اعلیحضرت همایونی عرض وشرف منظوری انرا استرحام نمودند : —

این نوازش خسروانه که در حق اینخدمتکار فرموده اند زبان شکریه انرا ندارم البته ازخداوند کریم توفیق میخواهم که بنده اورا بخدمت ترقی افغانستان وپادشاه معظم غازی که امروز باعث افتخار قوم افغان گردیده اند ونام افغانستان وقوم



نمایش داخل کمرهٔ نشیمن رئیس هیئت سیاسیه مخصوصه دولت بهیه بریطانیا

افغانرا به تمام عالم مشهور وممتاز نموده اند توفیق بدهد تاهمه وقت خدمت افغانستانرا بزیر سایه اعلیحضرت غازی نموده رضای اعلیحضرت شهریار بوا حاصل دارم که رضای بادشاه معظم عین رضای رسول (ص) مقبول ورضای خداوند کریم است امروز هرفرد

افغان مرهون منت احسان اعلیحضرت غازی میباشند این بار احسان اعلیحضرت والا را که بدوش افغانها گذاشته شده زبان وقلم از ادای این احسان پادشاهی وامانده نمیتوانیم مگر هر فرد افغان این نعمت عظمی را که خداوند بسعی و کوشش اعلیحضرت غازی برای ملت افغان نصیب فرموده بذرائع عملی، در اظهار آن از سر ومال براه ترقی ملك افغانستان وخدمت پادشاه جوانبخت غازی که باعث ترقی افغانستان است دریغ نکرده افکار دور اندیشانه شهریار غازی را العقیب نمائیم تا بسر ومال خدمت نموده باشیم لهذا بحضور شهریار غازی ترقی خواه عرض و آرزو دارم که یك مکتب اقامت موسوم به (مکتب اسلامیه امانیه) در علی آباد که حضور والا مرحمت فرموده اند قائم شود ومصارف مخارج مکتب مذکور از حاصل همین زمین ومبلغ نقد — عطاء وعنایت شده نیکه بعوض خدمت حقیرانه بنده که از ذات شاهانه از خصلت خدمت نوازی مرحمت فرموده اند منظور شود تا از ین نوازش شاهانه نیز برای ملت افغانستان فائده حاصل گردد بعون الله تعالی —

حضور ذات همایونی عرض فوق را شرف قبولی بخشیده تلطف فرمودند :—

چون همواره مقصد والای ما مصروف ترقی اولاد وطن بوده برای بهبود ملت نجیبه خود وترقی افغانستان خیالات صادقانه تان را متعاقب افکار همایونی دانسته مقصد معروضهٔ تارا منظور فرموده موفقیت بران، از حضرت باری تعالی رجادارم که برای خدمت وطن وملت شمارا توفیق عطا فرماید، آمین

(میزبان نوازیهای اعلیحضرت غازی خادم) نواز جناب جلالت مآب اکرم سردار اعلی عبدالعزیز خان وزیر داخلیه که از زمان درازیست بیك صداقت واخلاص در راه خدمتگذاری ذات شاهانه میدواند، وذات حقوق شناس صفات همایونی از خدمات شایان و خلوص نمایانش ابراز خرسندی مینماید همیشه مورد عواطف خسروانیست، ودائما سرشار ساغر تلطف ومهربانی— از (آرزو بادار عنایت کردارش) در لیل جمعه (۲۷) جوزا باغ عزیز آباد بینی حصار را که اقامتگاه جناب ممدوح است بقدم فیض مقدم بهار توام ساخته، بسرافرازی خادم صداقت کیش خویش پرداخت بمعیت — ذات شاهانه، شهزاده های عظام، وزرای کرام سرداران ذی احترام، قوماندانهای عسکر شجاعت انظام رونق افزای محفل ضیافت گردیدند

این باغ را پرده های اقسام وبیرق های الوان تزئین بخشیده، برای دخول ذات شاهانه دروازه های بافروشانی بطرز غریب ترتیب داده، با آئینی آئینه بندان ورنگی چراغان کرده بودند که زیاده بران متصور نباشد، با کثر قطعات باغ چوکیها ومیزها باقسام فواکه و شیرینی چیده، و ساز عشرت مهیا گردیده، ترانه سنجان تاسحر نوا ساز. موزیکه نوازان بنغمه سازی بلند آواز، آتش بازی ها مشغول سوز وگداز بود—ذات شهریاری از ساعت (۸) و (۳۰) دقیقه شام تا ساعت (٤) صبح به کمال مسرت وشادمانی رونق افزای محفل کامرانی بودند چنانچه از زمان عنایت ترجمان استماع گردید : این سومین بار است که بخانه (عبد العزیز جان) می آیم وبه بسیار خوشی میگذرانم معلوم است خانه اش دارای تاثیریست، ونیز از حسن خدمت ها وصداقت های جناب جلالتمابی زیاد اظهار رضامندی وخوشنودی فرمودند.

چون ذاتاً ملت افغان به پادشاه دوستی یدطولا دارند اکثر قریه داران، وزار عین که بقریه بینی حصار همجوار اند باداره دسترسهای استعداد، تحف، وهدایا از قسم نقو، واجناس تقدیم حضور همایونی نموده متمنای منظوری آن گردیدند. حضور شهریاری نقود را واپس رد کرده بقبول اجناس سرافراز شان فرمود ونیز از حضور شاهانه برای آنها نقود زیاد عنایت گردید

(عرض قریه داران)

اعلیحضرتا ! جانهای ما نثار قدم، وسرهای ما فدای خاك پایت ! از خدای یکتا خواستگاریم که مارا توفیق کرامت فرماید تا در راه حصول مقصد اعلیحضرت غازی پدر نوجوان خود :— که مرجع مدعایش خاص خدمت دین و غمخواری عالم اسلام است، سرهای خود را فدا ساخته خوشنودی خدا جل جلاله، و رسول برحقش را (ص) حاصل نمائیم

تشکیل وزارت عدلیه

وزارت جلیله عدلیه دولت علیه مان مرکب است از هفت مدیریت ویك هیئت تفتیشیه که خاص خدمت او گردش ولایات است برای باخبری احوال حکام —

(۱) مدیریت امور حقوقیه
(۲) مدیریت امور جزائیه
(۳) مدیریت امور تجاریه
(٤) مدیریت مامورین
(٥) مدیریت مکتوب نویسی
(٦) مدیریت فروعات وصکوکات
(۷) دفتر محاسبه ودفتر اوراق

واءدن افواج بریطانیا از ایران ،
تمام شد لاکن روسها حالت موجوده ایران
را ناقابل اطمینان خیال کرده یکهزار
سپاهی خود را در ازلی گذاشتند —

(پشاور دیلی نیوز)

(نمایندهٔ ایرانی درانقره)

یك تار قسطنطنیه مظهراست :- یك وفد
ایرانی که بتعداد پنج نفر میباشد به انگورا
رسیدتادرباب اتحاد ایرانی وکمالی مصلحت و
گفتگو کنند ـ (پیسه اخبار)

(هندوستان)

(تقرر و شرائط یکی از لیدران هند)

مولانا عبدالباری صاحب، نظربه
واقعات موجوده بیان ذیل را شایع نمود :-
من که بعد ازمشوره علما ولیدران
مسلمان پروکرام ترك موالات را بلاتشدد
اختیار کرده بودم این نبود که ازجان
خود میترسیدم ویاازمحبوسی خود . بلکه
میدانستم که بدون همین حربه دیگر اسلحه
نیست که تحصیل مقاصد ماذا نماید لیکن
اینواهم متعهدشده بودم که برخیالات فوق
خودمداوم خواهم بود بلکه برای مهاتما
گاندهی گفته بودم که تا باما مسلمانان متحد
باشید من به ترك موالات که بلاتشدد باشد
پابند خواهم بود — درباب بیانات مولانا
محمدعلی وشوکت علی همین است که اگر
حکومت هند از اظهارات شان فائدهٔ ناجائز
تحصیل نموده باشد البته یکی ازطریقه های
معمولی حکومت هند خواهد بود بنابران لازم
نیست که تقرر وایسرای ویاتشبیع کدام
اعلان سرکاری وقعت داده شود — طریقهٔ
سلوکی را که امروزه روز حکومت هند
برخلاف خلافت وکار کنان قومی اختیار
نموده بالکل ناقابل برداشت میباشد، خصوصاً
آن اجراء آتیکه درصوبهٔ سرحدی کرده
میشود کاملاً قابل تحمل نبوده اشتعال دهنده
میباشد — بنابران لازم است که بر روغرام و
نظام عمل خود غور و تمحیص نموده نظرثانی
نمائیم چرا که حکومت انکلیس یك سلطنت
کلان اسلامی را که حکومت مصطفی کمال
غازی میباشد به تهدیدات خود میترساند
وتجاویز مخالفانه را که برما بسیار دشوار
میگذرد برروی کارمی آورد بنابران مجبور شده
ایم که مشورهٔ فوری نموده باجرای ان بپردازیم
آن چنانست که انکلستان ، اول
عراق عرب را فوراً تخلیه نموده افواج خود
راواپس بخواهد ومردم آنجارا آزاد بماند تاخود
شان تصفیه معاملات خودرا خودبکنند دوم
اعلان غیرجانبداری خودرا نسبت به محاذات
اسلامی نماید سوم فلسطین را بالکل رها کنند
تا مسلمانان بایهودان بطیب خاطر خودها
فیصله امورات را نمایند چهارم ازشام خارج
شوند ومعاملات شان نسبت به اهل فرانس .
بخودشان گذاشته شود — همچنان ترک

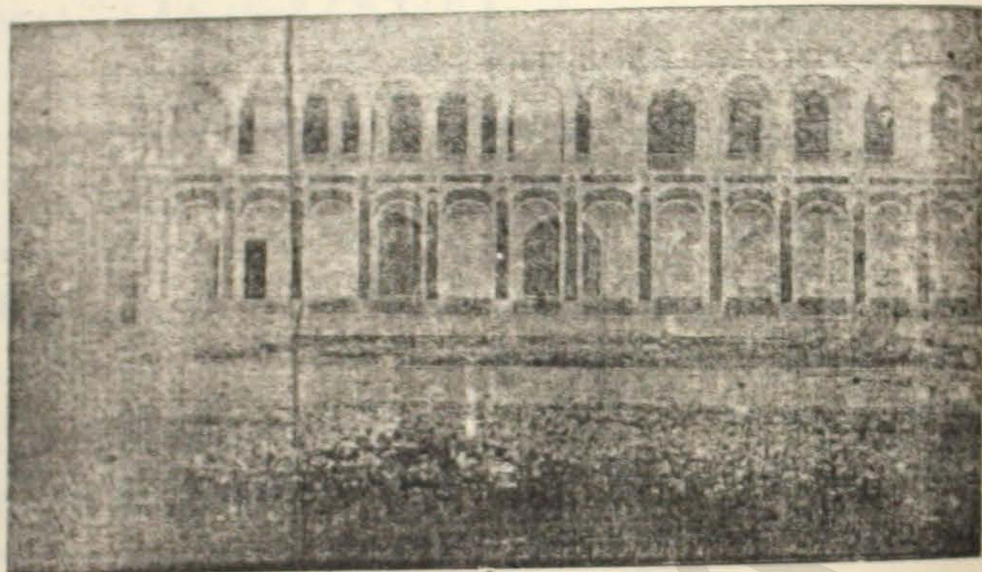
اناطولیه ونوربین را خالی نموده غیر
جانبداری خودرا نظر بجنك یونان
ومسلمانان ترك اعلان کنند اگرحکومت
انکلستان بشرائط فوق تسریع عمل نماید
بالضرور بهمراه اسلام دوچار مخاصمه میشود

(وکیل ۱۵ جون)

(ترکیه)

(خیالات انکلستان نسبت به احرار ترك)

رای ربوتر (محکمه اطلاعات انکریزی)
بذریعهٔ ذرائع معتبر معلوم شده است که اتحادیان
خیال مذاکرات را نسبت به اجرای کار
دستانهای مخالفانه حکومت انقره دارند که
برخلاف حکومت مذکور چه کارروائی‌ها



سلام خانهٔ چار باغ ، ازالنصرت هرات

کرده شود تاحال چیزی درینباب فیصله
نشده است البته که بعداز تقدیم وتجویز
قونصل اعلی نتیجهٔ پیدا خواهد کرد —
گفته شده است که حکومت انکلیسی
بسبب عهد شکنی ترکان احرار وباعث
منع نمودن جهازات انکریزی را ازادخال
بندرات اناطولی . برخلاف حکومت انکورا
خیال اجرای کارستانهای سخت رادارد —

(پاینیر)

(مسجد در پاریس)

بموجب اقدامات مسیو (بن قاربطی)
رئیس نگهبانان راضی مقدسه ،
باید یك مسجد در پاریس ساخته شود و
برای این بار لسان مبلغ پنج لك فرانك
تصویب نموده است —

الوژی امام را معین نموده است محض اینکه مسجد باید که بطرز اسلامی ساخته شود ازانجهت لازم می شود که مهندسین عثمانی دعوت بشوند و عمل مسجد راباید بلدیهٔ پاریس معین نماید تصور میرود که در نواحی (انوالیه) باشد یعنی پاریزین درین خصوص اشاره می کنند که هر وقت از (طرنوز) (الوژی) (مارول) و از ممالک دیگر اسلامی، مسلمانهائیکه بزبان وقوانین ما آشنائی دارند بپاریس بیایند و در خاک فرانسه مسجد خود شان رازیارت نموده مراجعت کنند افتخار فرانسه را عالی خواهند نمود رابطه فرانکهو ـ

اسلام که از مهمان نوازیها وقوع میباید بین ما و ملل اسلامی دوستی بر قرار خواهد نمود ـ

پهلوی مسجد برای علوم اسلام ، یك دارالفنون ویك کتابخانه مفصل با کتب عربی و یك سالون برای کنفرانس هما ساخته خواهد شدودران تمدن اسلام باید باتمدن حالیه فرانسه توام هم بشود

جریده گلستان شماره (۱۵) ماخوذاز جرائد ارامنه

(معاهده جاپان وانگلستان)

لندن ۳ جون مستر لینـا کس شمپسن (مشیر سیاسیه حکومت چینائی) عازم لندن شد تادر انجا رفته خیالات چینائی را که درباب مسائل مشرق بعیده دارد ظاهر داشته تشریح نماید ارا کین پارلیمان (کنیدا) براین امر مصر اند که قبل ازمنعقد شدن باید معاهده جاپان وانگلیس تصدیق پارلیمان مذکور راحاصل دارد لیکن مستر سمپسن

﴿ ادوار سنین عمر نیك اقبال ﴾

مابعد از شماره (۲)

بسیار خوب فکر کردی دنیادر گذراست وهیچ چیزدنیارا اعتباری نیست ، بمعامله محروزهٔ دنیا مسلمان رانشاید که ازکار آخرت صرف نظر نماید

آ فرین ، هزار آ فرین ! بافکار دینداراته توکل شعارانه غیرتکارانهات. حقیقتاً همین سخنهای که تو گفتی مرا هم در ضمیر بود ، اما بلحاظ ملالت طبیعتت نمیتوانستم باز از مطلب پردازم ، خوب شد که خود فرمودی آنچه لازم بود ، جانمن ! این بسیار احسان خداوندیست که نمیخواهد ما وشما بچنان افعال که دران نارضائی حضرت آلهی مستتر باشدمرتکب شویم

(م) خواجهٔ من ! (نیك اقبال) از خانه باشما یکجا برآمد تا اکنون که نماز شام قریب است اثرش پیدانشد ؟ نمیدانم خلاف عادت بکجا رفته باشد ؟

اظهارداردکه اگرمعاهده ژاپون وانگلیس تجدیدشد حکومت چینائی خواهد دانست که بریطانیا تصدیق پالیسی جاپان را که در زمان جنگ متعلق (شان تنگ) و غیره درحق چین میبروزانیده، می نماید ـ

(پاپونیر ۱۱ جون)

(حاکم اعلی کنیدا)

رسماً اعلان شد که لارد بانیك به گورنری تمام کنیدا مقررشد پاپونیر

(آیر لیند)

لندن ۲۳ جوزا ـ یکصد نفر ملت پروران آیرلیند برهفده نفر پولیس انگریزی حمله نموده شش نفر شانرا کشتند وچهار نفر رازخم شدید رسانیدند ملت پروران مذکور اسلحه وجبه خانهٔ پولیس رابقبضهٔ خود آورده سه عراده موترها سوختاندند

در یك جای دیگر دو صد نفر ملت پروران مذکور بربیست وهشت نفر پولیس هجوم آورده چهار نفر را کشته پنج نفر را مجروح ساختند ـ درلورپول ملت پروران مذکور پنجاه خط بزرك سلسله تیلفون را که بطرف شهرلیدزمیرفت وسی خط دیگرسیم تیلفون را که بطرف شمال میرفت بریدند و ستون تیلفون را نیز تکه تکه کردند ـ در چند مقام دیگر نیز سیم تیلفون را خراب کردند پاپونیر

عبدالجبار مترجم ادارهٔ امان افغان

(خ) بلی بعد از ادای نماز عصر فرستادهٔ از طرف (مقصود) خواهرزاده سلطان مکتوب شکایت امیزی برایش آورده بود : ـ که یك هفته میشود سخت بیمارم بعیادتم نیامدی ، لحظهٔ بیا که باتو مصلحتی دارم . بلحاظ اینکه خواستم خیالش بکدمی بیاساید رخصتش دادم، جانمن! خوب شد یادم دادی ، می بینی که هوا ازتراکم ابرها چادر سیاهی بررو کشیده ، و یقین دارم نیك اقبال بعد ازادای نماز شام از آنجا مراجعت خواهد کرد مبادا تاریکی بیابد، (چراغ علی) رابگو فانوس برداشته بمنزل مقصود برو وبانیك اقبال یکجا بیا ـ چراغ علی خدمت فانوس برداری را اختیار کرده رهسپرای جادهٔ مقصود گردید ـ

چراغ علی ما اینقسم نوکر نیست که خواجه اش اورا بچشم نوکر ببیند چون خدمتکار صادق هم کم ازفرزند یادار نیست ازحسن اخلاق وصداقت شعاریها بحضور خواجهٔ خود دارای درجه فرزندی است وبا (نیك اقبال) ما دریك دبستان کسب علم کرده ، ازایام طفولیت همدستان است

ادبیات

خیر مقدم شهریاری که بقطعات زیبا نگارش یافته و بمواضع محافل گذاشته شده بود

(در برابر چمن)

شه دارا شکوه غازی جم اقتدار آمد
به تمکینی که بر طرف گلستان نوبهار آمد
بنقش پای گلگونش سزد گر جبهه سا گردم
که بهر افتخارم شاه در بیخ حصار آمد
زفیض مقدمش این قریه بر پاریس مینازد
درین خادم سرا تا خسرو اعلی تبار آمد
نه تنها شد ز شمع لطفش این دهقان سرا روشن
باستقلال افغان خنجرش برق اشتهار آمد
بافغان کرد تلقین درس تهذیب و تمدن را
چه با ور نکته هی این شه عرفان شعار آمد
بعالم کرد اعلاء شیوهٔ مردانه غازی را
چو در مصر سیاست این خدیو کامکار آمد
شنیدم از نو ابرداری ساز مساواتش
که قانون عدالتها بپزمش ساز کار آمد
بخدمت کار صادق مژده بخشا میشود لطفش
که نخل صدق و اخلاص تها اینک ببار آمد
چراغان کرد یارب اختر بخت بلند من
در منزل که امشب اینهمه مهر اشتهار من
سر افگنده باندازاو میسازم ای یاران
همین جان عزیزش لائق از بهر نثار آمد
نثار مقدم آنخسرو صاحب قران کردم
مرا جان عزیز از دوستان آخر بکام آمد

(درین چو بتره)

میهمان من حقیر فقیر
این زمان عادل زمن شده است
منزل من زفیض مقدم او
رشك رنگینی چمن شده است
میدهد مژده حیات به من
جان کنون میهمان تن شده است
جان چو پروانه بروی افشانم
شاه من شمع انجمن شده است
غازی شیر دل ◄ امان الله ►
امن ازو ساحت وطن شده است
آنکه از سعی خویش در دو سه سال
ملك را ماحی فتن شده است
آنکه از بهر قوم و ملت خویش
مکتب انشای علم و فن شده است

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنهٔ کابل
طبع گردید

(سر محرر پاینده محمد)